



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 13, No. 1, 2024
Research Paper

The polysemy of the word "Tughyan" in the Holy Qur'an with a linguistic approach

Mohammad Omar Qarizadah¹, Mohammad Ali Salmani Merovest*²,
Vesal Meymandi³, Behnam Farsi³

Ph.D. Student, Department of Arabic language and literature, Yazd
University, Yazd Iran

Associate Professor, Department of Arabic language and literature, Yazd
University, Yazd Iran

Associate Professor, Department of Arabic language and literature, Yazd
University, Yazd, Iran

Assistant Professor of the Department of Arabic language and literature,
Yazd University, Yazd Iran

Abstract

Lexical polysemy is one of the most important topics that can be proposed in semantic studies in the field of linguistics. In linguistic studies regarding the meanings of words, we are always faced with concepts that are affected by the units and elements that accompany them. This influence is so much the semantic analysis of the word without considering the relationship between these elements is impossible. Focusing on the context and structure of the sentence after the etymology and historical course of a word proves its multiple meanings well. Achieving an accurate interpretation of the Holy Quran, which is one of the major goals of Quranic research, depends on the accurate understanding of the words of the Holy Quran. This research is focused on multiple meanings of Tughyan (Insurrection) in the Holy Quran, to find out its exact meaning. The course of meaning of this word in the verses of the holy Quran has been reviewed with its multiple aspects in relation to the central core of meaning and most importantly the influence of the accompanying units of the word Tughyan by referring to the interpreted versions of the holy Quran has been reviewed. This research shows that the word Tughyan is one of the words with multiple meanings in the Holy Quran, which has many aspects such as misguidance, cruelty, disbelief, rebellion and disobedience, arrogance and deities other than God, and all these meanings have a conceptual connection with the main core of the meaning.

Keywords: Polysemy, Linguistic, Tughyan, The Holy Quran.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).

 <https://doi.org/10.22108/NRGS.2023.137276.1862>

مقاله پژوهشی

چندمعنایی واژه «طغیان» در قرآن کریم با رویکردی بر زبان‌شناختی

محمد عمر قاری زاده^۱، محمد علی سلمانی مروست^{۲*}، وصال ممندی^۳، بهنام فارسی^۴

۱- دانشجوی دکتری گروه ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران

mohammadomerq@gmail.com

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

salmani_m@yazd.ac.ir

۳- دانشیار گروه ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران

vmeymandi@yazd.ac.ir

۴- استادیار گروه ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران

behnam.farsi@yazd.ac.ir

چکیده

چندمعنایی واژگانی یکی از مهم‌ترین موضوعات قابل طرح در مطالعات معناشناختی است. در بررسی‌های زبانشناختی نسبت به معانی واژگان همیشه با مفاهیمی مواجه هستیم که متأثر از واحدها و عناصر هم‌نشین خود هستند. این تأثیرپذیری به حدی است که تحلیل معناشناختی واژه را بدون در نظر گرفتن رابطه میان این عناصر ناممکن کرده است. توجه به سیاق و ساختار جمله بعد از ریشه‌شناسی و سیر تاریخی یک واژه چندمعنایی آن را به خوبی ثابت می‌کند. دستیابی به تفسیر دقیق قرآن کریم که یکی از اهداف بزرگ پژوهش‌های قرآنی محسوب می‌شود، در گرو درک و فهم دقیق واژگان قرآن کریم است. در این پژوهش کارکرد چندمعنایی واژه طغیان در قرآن کریم و سیر معنایی این واژه در آیات قرآن کریم بررسی شده‌اند و وجوه متعدد آن در ارتباط با هسته مرکزی معنا، تبیین و تأثیر واحدهای هم‌نشین واژه طغیان در معنارسایی این واژه با استناد به کتب تفسیری قرآن کریم بررسی شده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد واژه طغیان وجوه متعددی همچون ضلالت و گمراهی، ظلم، کفر، عصیان و نافرمانی، تکبر، معبودانی غیر از خدا و ... دارد که همه این معانی با هسته اصلی معنا که تجاوز و عدول از حد اعتدال است، ارتباط مفهومی دارند.

واژگان کلیدی: چندمعنایی، زبان‌شناختی، طغیان، قرآن کریم.

۱. طرح مسئله

قدیم در آثار خویش از آن به عنوان وجوه و نظایر یا

اشتراک لفظی یاد کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۱،

صص ۲۹۲). چند معنایی به گونه خاصی از روابط معنایی

چندمعنایی یکی از مهم‌ترین موضوعات در مطالعات

زبان‌شناسی معاصر و علوم قرآنی بوده است که دانشمندان

اطلاق می‌شود که در آن، یک واحد زبانی «واژه قاموسی» بر چند معنای مختلف دلالت می‌کند که از نظر مفهومی با هم مرتبط‌اند (سعیدی، ۲۰۰۹م، ص ۶۴). با توجه به این تعریف، معناشناسان معاصر میان چند معنایی و اشتراک لفظی تفکیک قائل شده‌اند و معتقدند واژه‌های چندمعنا دارای ریشه واحد و یک معنای مرکزی یا هسته معنایی هستند و سایر معانی در محور معنای مرکزی می‌چرخند (العوا، ۱۳۸۲ش، ص ۵۸)؛ مانند واژه «حجر» که به معنای مختلفی به کار رفته و هسته معنایی آن «محفوظ‌بودن» است: «حِجْر»: (عقل)؛ زیرا انسان را از گمراهی حفظ می‌کند؛ «حَجْر»: (سنگ)؛ زیرا به دلیل محکم بودن، محفوظ است؛ «حِجْرُ الْإِنْسَانِ»؛ زیرا اگر انسان کسی را در آغوش بگیرد او را حفظ می‌کند؛ «حُجْرَه»: (خانه)؛ زیرا انسان را پناه می‌دهد و حفظ می‌کند. به این صورت در همه این معانی هسته معنایی «حفظ» وجود دارد (مصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج ۲، ص ۲۰۰)؛ اما اشتراک لفظی واژه‌هایی اند که در اصل معنای واحد ندارند؛ بلکه دارای معانی متفاوتی بوده‌اند که به مرور زمان ساختار صرفی واحدی پیدا کرده‌اند و هریک با حفظ معنای مستقل خود هم‌آوا و هم‌نویس شده‌اند (العوا، ۱۳۸۲ش، ص ۵۸)؛ مانند واژه «قانع» به معنای راضی و «قانع» به معنای سائل که «قانع» به معنای راضی از ریشه «قنع، یقنع» و مصدر آن «قنعاً» و قانع به معنای سائل از ریشه «قَنَع، یَقْنَع» و مصدر آن «قنوع» است (مصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج ۲، ص ۲۰۰). چندمعنایی به دو شکل تصور می‌شود: ۱. واژه دارای چند معنا است و در هر کاربردی به یکی از معانی خود دلالت دارد. ۲. واژه چندمعنا در یک متن به گونه‌ای به کار می‌رود که در زمان واحد چند معنا دارد. مقصود از چندمعنایی در این پژوهش صورت اول چندمعنایی است.

زبان‌شناسان معاصر از جمله «اولمان»^۱ انتقال در کاربرد، کاربرد ویژه، تأثیرپذیری از زبان‌های بیگانه و

هنرآفرینی را از عوامل چندمعنایی واژه می‌دانند. انتقال در کاربرد در اصل نوعی توسعه معنایی محسوب می‌شود که بیشتر در صفات جلوه‌گر می‌شود. یک واحد زبانی، با واحدهای زبانی دیگر، معانی متفاوتی پیدا می‌کند که این معانی در ابتدا کاملاً وابسته به واحدهای هم‌نشین است؛ اما با گذشت زمان از معانی متعدد آن واژه محسوب می‌شوند؛ مانند کاربرد واژه فارسی «سفید» در اصطلاحاتی همچون «سفیدپوست» و «سفیدبخت» که در معانی غیراصولی خود به کار رفته است. کاربرد ویژه، یعنی استعمال یک واژه در مشاغل و حرفه‌های متعدد، عامل دیگر چندمعنایی واژه‌ها است؛ مانند استعمال واژه گوشی در منزل که دلالت بر تلفن می‌کند؛ اما در نزد پزشکان مصداق دیگری دارد. تأثیرپذیری از زبان‌های بیگانه، از عوامل دیگری است که می‌تواند معنای تازه‌ای به واژه بدهد و موجب چندمعنایی شود. منظور از هنرآفرینی کاربرد واژه‌ها در معانی استعاری و مجاز است که به تدریج به چندمعنایی منجر می‌شوند (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۳)؛ مانند واژه «عین» که از ماده «ع، ی، ن» است؛ عضوی از بدن است که به وسیله آن می‌توان نگاه کرد و چشمه را به این دلیل «عین» گفته‌اند که مانند چشم از آن آب جاری می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۲۸۶). اطلاق این واژه بر معانی دیگری همچون «جاسوس، دیدبان ارتش، کوهان شتر، گودی سر زانو و ...» از باب استعاره و مجاز است (شهباز، ۱۳۹۴ش، ص ۷).

مطالعات زبان‌شناختی نشان می‌دهد مفهوم واژه‌ها بر اثر ارتباط با متن و هم‌جواری با لایه‌های متنی تغییر می‌کند و تابع فرایند گفتمان متن می‌شود؛ یعنی نشانه‌های زبانی به یکدیگر وابسته‌اند و در تعامل با هم از روی محور جانمایی و ترکیب هم‌نشینی در هر بافت زبانی نظام معنایی را تشکیل می‌دهند؛ اما واژه از هسته مرکزی خود فاصله نمی‌گیرد و تنها دچار توسعه معنایی می‌شود. صفوی در مطالعات خود درباره چندمعنایی واژگانی چنین می‌نویسد «معناشناسان در طرح چندمعنایی واژگانی، واژه

¹ Ullmann

۲. پیشینه پژوهش

دانش معناشناسی و چندمعنایی از اهمیت زیادی میان زبان‌پژوهان و دین‌پژوهان برخوردار است. آنچه به اهمیت این دانش افزوده است، واژه‌های چندمعنای قرآن کریم است که یکی از مهم‌ترین راه‌های دسترسی به مفهوم آنها فهم دانش معناشناسی و چندمعنایی است. با توجه به اهمیت این دانش، از همان دوران آغازین آثار زیادی از سوی دانشمندان قدیم با عنوان «وجوه و نظایر» در این زمینه نگاشته شده‌اند که تفاوتی میان مشترک لفظی و چندمعنایی قائل نشده‌اند (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۹۲). همچنین در دوره معاصر، دانشمندان زیادی با استفاده از نبوغ علمی خود، آثار و مقالات زیادی در زمینه علم معناشناسی و چندمعنایی تألیف کرده‌اند که در برخی از این مقالات، معناشناختی واژه «طغیان» بررسی شده است؛ اما به نظر می‌رسد بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، چندمعنایی واژه‌ها را با تکیه بر روابط جاننشینی بررسی کرده و به چگونگی کاربرد این واژه در قرآن کریم اهمیت بیشتری داده‌اند. آثار دانشمندان قدیم و جدید در این زمینه را به اختصار بررسی می‌کنیم:

بلخی، مقاتل بن سلیمان متوفی (۱۵۰هـ ق) کتابی با عنوان *الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم* در قرن دوم هجری نگاشته است که از نخستین نوشته‌ها در زمینه چندمعنایی یا همان اشتراک لفظی در قرآن کریم به شمار می‌آید و تفاوتی میان اشتراک لفظی و چندمعنایی قائل نشده است.

ازدی، هارون بن موسی متوفی (۱۷۰هـ ق) اثری را با عنوان *الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم* نگاشته و واژه‌های چندمعنا را بررسی کرده است.

سیوطی، جلال‌الدین متوفی (۹۱۱هـ ق) کتابی با عنوان *معرک الأفران فی اعجاز القرآن* نگاشته و اشتراک لفظی در قرآن کریم را بررسی کرده است. او واژه‌های مشترک را جزء بزرگ‌ترین اعجاز قرآن دانسته است که در کلام بشر احساس نمی‌شود.

را به صورت مستقل و جدا از یکدیگر و بیرون از روابط هم‌نشینی و جاننشینی درخور توجه قرار داده و گمان کرده‌اند تعداد اندکی از واژه‌ها، نه همه آنها، چند معنا دارند و بقیه بیشتر دارای یک معنا هستند؛ درحالی که چنین نیست و با قاطعیت می‌توان گفت کمتر واژه‌ای را می‌توان پیدا کرد که دارای یک معنا باشد و با قرارگرفتن در جمله و هم‌نشینی با واژه‌های دیگر، تغییر در معنای آنها به وجود نیاید (صفوی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۶).

با بررسی آیات و سوره‌های قرآن کریم چنین به نظر می‌رسد که این کتاب در ساختار آیات و سوره‌های خود، اهمیت هم‌نشینی واحدهای زبانی را به‌گونه‌ای در نظر گرفته است که درک و فهم صحیح لایه‌های معنایی‌اش ممکن نیست؛ مگر با فهم و توجه به کارکرد واژه‌ها در سیاق کلام. زرکشی می‌نویسد «باید رأی و دیدگاه مفسر در تفسیر آیات قرآن مبتنی بر رعایت سیاق کلام باشد؛ هرچند معنای برآمده از آن با وضع لغوی ناسازگار باشد» (زرکشی، ۱۳۹۱ش، ج ۱، ص ۳۱۷)؛ بنابراین، شناخت چندمعنایی واژه‌های قرآن با توجه به ساختار آیات، سوره‌ها و شناخت واحدهای هم‌نشین در بستر کلام یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای رسیدن به معانی و معارف صحیح و دقیق قرآن کریم است. پژوهش حاضر با استناد به برخی وجوه معنایی بیان‌شده در کتب تفسیر، روایات تفسیری و با توجه به دیدگاه هم‌زمانی و قواعد هم‌نشینی واحدهای زبانی به دنبال درک دقیق مفهوم واژه «طغیان» در ساختار آیات قرآن کریم و وجوه متعدد آن در ارتباط با هسته مرکزی معنا است تا به این سؤالات پاسخ دهد: ۱. معنای مرکزی واژه «طغیان» در قرآن کریم چیست؟ ۲. بررسی چندمعنایی واژه «طغیان» با تکیه بر دیدگاه هم‌زمانی و قواعد هم‌نشینی واحدهای زبانی در قرآن کریم دارای چه دستاوردی بوده است؟ ۳. تحلیل و بررسی چندمعنایی واژه «طغیان» چه کمکی به درک مقصود آیات قرآن می‌کند؟

همان‌طور که قبلاً اشاره شد همه این دانشمندان پدیده چندمعنایی را با عنوان «وجوه و نظایر» بررسی کرده‌اند که هدفشان از وجوه، معانی و از نظایر، واژگان است. علاوه بر آثار فوق، تفاسیر قرآن کریم به‌خصوص تفاسیری که به نکات واژه‌شناسی توجه دارند، مانند تفسیر زمخشری، بیضاوی، تفسیر کبیر فخر رازی، ابن عاشور، المیزان، روح‌المعانی و ... از منابع مهم معناشناسی واژه‌های قرآن و واژه «طغیان» هستند.

آبادی و حسنی (۱۳۹۳ش) پژوهشی را با عنوان «طغیان در قرآن و حدیث» انجام داده‌اند. این دو پژوهشگر احساس بی‌نیازی، تکبر و عدم تزکیه را از عمده‌ترین عوامل طغیان؛ دنیاپرستی، کینه‌ورزی و دشمنی با یکدیگر را از نشانه‌های بارز طغیان و کسب تقوی، تزکیه نفس، ذکر و یاد مرگ، اخلاص و توجه به خلقت را مهم‌ترین راه‌های بیرون‌رفت از طغیان دانسته‌اند.

عابدی و جعفری (۱۳۹۸ش) پژوهشی را با عنوان «تبیین و ارائه مدل رفتاری طغیان از منظر قرآن» انجام داده‌اند. پژوهشگران با استفاده از منابع لغوی و تفسیر، واژه طغیان در قرآن کریم را تحلیل و تجزیه کردند، تجاوز از حد را یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های این واژه معرفی کرده‌اند که با مفهوم قدرت رابطه عمیقی دارد.

گلی و امینی (۱۳۹۹ش) پژوهشی را با عنوان «تفاوت‌های معنایی عصبان، طغیان و بغی در قرآن کریم و کیفیت انعکاس آن در انواع ترجمه‌های قرآن» انجام داده‌اند. محققان در این پژوهش با تأکید بر دلالت‌های معناشناختی و رهیافت‌های سیاقی، تفاوت‌های معنایی میان این سه واژه در قرآن کریم را بررسی کرده‌اند.

سرلک و عسکری (۱۴۰۰ش) پژوهشی را با عنوان «تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن در رابطه با طاغوت و استلزامات تربیتی آن» انجام داده‌اند. محققان در این پژوهش برخلاف فرهنگ عامه با استفاده از آیات قرآن کریم، ابعاد هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و جامعه‌شناسی واژه طاغوت را بررسی کرده‌اند و منشأ

طغیان را نفس و خواسته‌های انسانی دانسته‌اند که با بی‌نیازدانستن خود از خدا حاصل می‌شود و سبب طغیان و سرکشی می‌شود.

با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، چنین به نظر می‌رسد که در بیشتر این پژوهش‌ها، علل و عوامل طغیان، پیامدهای آن و نتیجه طغیان بررسی شده‌اند. هیچ‌کدام واژه طغیان را از زاویه مطرح‌شده در این پژوهش بررسی نکرده‌اند. در این نوشتار، واژه طغیان با استناد به برخی وجوه معنایی بیان‌شده در کتب تفسیر، روایات تفسیری و با توجه به دیدگاه هم‌زمانی و قواعد هم‌نشینی واحدهای زبانی، سیر معنایی این واژه در ساختار آیات قرآن کریم بررسی شده است و وجوه متعدد آن در ارتباط با هسته مرکزی معنا و همچنین واحدهای هم‌نشین مشخص می‌شوند. در واقع پژوهش حاضر تلاش دارد با تبیین لایه‌های معنایی واژه طغیان در قرآن کریم به معنای حقیقی و اصلی این واژه در کاربردهای قرآنی دست یابد و درک عمیق‌تری نسبت به مفاهیم والای قرآنی به وجود آورد.

۳. بررسی ریشه‌شناختی واژه طغیان

۳-۱. واژه طغیان در زبان‌های سامی

آرتور جفری، از محققان زبان سامی واژه طغیان را از مصطلحات فنی دینی دانسته است و می‌گوید «عقیده عموم بر آن است که طغیان یک واژه اصیل عربی و به معنای بیرون رفتن از حد است» (جفری، ۱۳۷۲ق، ص ۲۹۲). واژه طغیان در عبری با واژه **טעג** به معنای آواره، سرگردان و گمراه‌شدن، در سریانی با واژه **ܥܘܘܘܐ** به معنای اشتباه و در آرامی با واژه **ܥܘܘܐ** به معنای سرگردان‌شدن مطابقت دارد (مشکور، ۱۳۵۷ش، ج ۲، ص ۱۲).

۳-۲. واژه طغیان در کتب لغت

واژه طغیان از اصطلاحات قرآنی جدید است و

با استدلال به آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ» (قمر: ۳۱) صیحه را «طوفان» می‌دانند و برخی دیگر موصوف محذوف را رجفه (زمین لرزه) گفته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۳۰). تاج‌العروس نیز کاربرد «طغی» در آیه «لَمَّا طَغَى الْمَاءُ» (الحاقه: ۱۱) را از باب مجازی می‌داند (الزبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۳۴). ابن منظور با استناد به تعریف ابن سیده، یکی از بزرگان علم لغت، می‌گوید «طغی، یطغی، طغياً و یطغو طغیاناً به معنای عبور و بالارفتن از حد است؛ به این ترتیب، به هرکسی که از حد خود تجاوز کند طاغی گفته می‌شود» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۷). به آب وقتی از حد خود تجاوز کند «طغی الماء» گفته‌اند؛ «طغیا» اسم گاو وحشی است. امیه بن ابی عائذ الهذلی (متوفی: ۷۵هـ) می‌گوید:

و إلاً النعام و حَفَانَهُ و طَغياً مع اللّهُقِ النَّاشِطِ
«و شترمرغان و جوجه‌هایش و گاو وحشی شادمان از جایی به جای دیگر می‌روند» (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۸). بر مبنای بحث لغوی، واژه طغیان کلمه عربی است. جوالیقی و خفاجی نیز این واژه را در زمره لغات معرب نیاورده‌اند؛ اما سیوطی این واژه را حبشی می‌داند و دلیل آن را ذکر واژه طاغوت در کنار واژه «جبت» در روایاتی از عکرمه و ابن عباس دانسته و کاهن معنا کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۷۲). از معنای لغوی واژه طغیان چنین برمی‌آید که شاید مقصود خداوند از این واژه، همان تجاوز و عدول از حد اعتدال باشد که در هر چیز به صورت‌های گوناگون جلوه می‌یابد.

شاهدی برای آن در اشعار جاهلی وجود ندارد (عوده، ۱۴۰۵ق، ص ۳۲۹). این واژه مصدر سماعی فعل طغی یطغی از ریشه «ط، غ و حرف عله» است و بر عدول و تجاوز از حد در گناه دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۱۲). فراهیدی طغیان را از ماده «ط، غ، و» دانسته است و می‌گوید «طغو، طغی: الطغیان به معنای هرچه از حد و اندازه‌اش تجاوز کند؛ مانند تجاوز آب از سر قوم نوح و تجاوز صیحه "عذاب" بر سر قوم ثمود» (فراهیدی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۳۴). این واژه با مشتقات خود ۳۹ مرتبه، با ۱۳ شکل، در ۲۷ سوره قرآن کریم به کار رفته است. راغب اصفهانی می‌گوید «طغوت، طغیت، طغوانا و طغیانا» افعال این واژه هستند که به معنای تجاوز و سرپیچی بیش‌ازحد در گناه هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۰). الله متعال زمانی که حضرت موسی (علیه‌سلام) را به دعوت فرعون می‌فرستد، فرعون را انسان متجاوز از حد معرفی می‌کند و می‌فرماید «أَذْهَبُ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه: ۲۴). «برو به سوی فرعون که از حد و اندازه خود تجاوز کرده است» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۱۲۱). صاحب کتاب الفروق فی اللغة طغیان را عدول و تجاوز از حدی معنا کرده است که با زور و سلطه همراه باشد (ابن عبدالله، ۱۴۰۰ق، ج ۸، ص ۳۵۶). قرآن کریم در این آیه می‌فرماید «لَمَّا طَغَى الْمَاءُ» (الحاقه: ۱۱)؛ یعنی زمانی که آب از حد معروف خود تجاوز کرد. واژه طغیان را به صورت استعاری، در معنای تجاوز آب از حد طبیعی‌اش و در آیه «فَأَهْلَكُوا بِالطَّاغِيَةِ» (الحاقه: ۵) به معنای تجاوز طوفان از حد طبیعی‌اش به کار برده است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۴۸۹). واژه طاغیه در این آیه صفت برای عذابی است که قوم ثمود را نابود کرد. قتاده در تفسیر این آیه می‌فرماید: خداوند بر سر قوم ثمود صیحه‌ای را نازل کرد که با آن نابود شدند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۱، ص ۲۹). فخررازی نیز طاغیه را صفت برای موصوف محذوف می‌داند. برخی صفت محذوف را

خداوند در این آیات از نیرنگ و گمراهی بزرگ منافقان پرده برداشته است که با اظهار ایمان دروغین قصد تمسخر پیامبر و مسلمانان را داشتند و آنها را به عذاب هشدار داده است. علی بن ابراهیم قمی در سبب نزول این آیه می‌نویسد «این آیه در ارتباط به منافقانی نازل شده است که نزد رسول خدا اظهار ایمان می‌کردند؛ ولی وقتی با کفار خلوت می‌کردند می‌گفتند ما با شما هستیم و با اظهار ایمان دروغین، پیامبر و مسلمانان را مسخره می‌کنیم» (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۴).

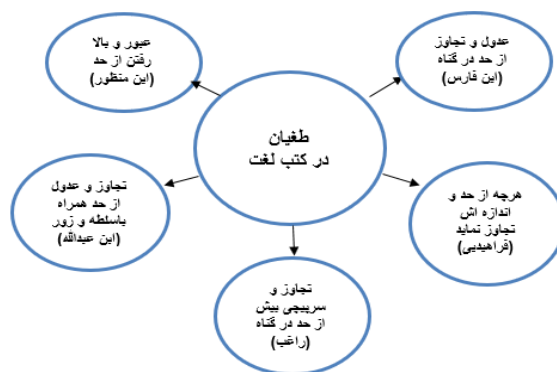
واژه طغیان در این آیه مجرور به حرف جر و متعلق به فعل «يَمُدُّهُمْ» است و جمله «يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ» در محل رفع معطوف علی خبر المبتدأ «يَسْتَهْزِئُ» است (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۴).

مفسرین درباره مفهوم واژه طغیان در آیه بحث شده دو وجه ذیل را مطرح کرده‌اند:

الف. به معنای کفر: برخی‌ها با استناد به قول ابن عباس و ابن مسعود واژه طغیان را به کفری که سبب متردد شدن منافقان شده است معنا کرده و فرموده‌اند «خداوند آنها «منافقان» را در کفرشان مهلت داده است تا بیشتر متردد و متحیر شوند».

ب. به معنای ضلالت و گمراهی: برخی دیگر با استناد به قول قتاده و ربیع این واژه را به معنای ضلالت و گمراهی می‌دانند و در تفسیر آیه می‌نویسند «خداوند آنها را به دلیل استهزاءشان در ضلالت و گمراهی ترک کرده است که متحیر و مترددند» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۰۶).

در این آیه افعال «یمددهم» و «یعمهون» هم‌نشین واژه طغیان‌اند که در رساندن معنای این واژه تأثیر مستقیم دارند. فعل «یمدد»، از ماده «مدد»، به معنای مهلت دادن و افزودن به کار رفته است. برخی‌ها با استناد به آیات «وَ أَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (اسراء: ۶) و «وَ نَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدَدًا» (مریم: ۷۹)، بین ماده «مدد»



نمودار ۱. مفهوم واژه «طغیان» در کتب لغت

۴. وجوه معنایی واژه «طغیان» در سیاق قرآنی

در رویکردهای زبان‌شناختی نسبت به مفاهیم واژه‌ها همیشه با یکسری معانی مواجه هستیم که تأثیرگرفته از عناصر هم‌نشین خود در یک نظام ساختاری‌اند و بررسی معناشناختی این مفاهیم با توجه به روابط دوسویه میان عناصر این نظام صورت می‌گیرد. توجه به بافت زبان و کلیت متن بعد از بررسی ریشه‌شناختی و کشف میدان معنایی واژه، چندمعنایی آن را به‌خوبی نشان می‌دهد. واژه طغیان نیز یکی از واژه‌های قرآنی است که بنا بر شرایط ذکرشده در یک نگرش هم‌زمانی، وجوه زیادی مانند گمراهی، ظلم، تکبر و ... را در سیاق قرآن کریم دارد (مقاتل، ۱۴۳۲ق، ص ۲۵۲).

۱-۴. ضلالت و گمراهی

در وجه نخست، طغیان به معنای ضلالت و گمراهی تفسیر شده است. خداوند متعال در سوره «بقره» از بزرگ‌ترین گمراهی منافقان پرده برداشته که استهزاء و تمسخر پیامبر اسلام و مؤمنان است. آنها را به عذاب و کیفر گناهشان هشدار داده که همانا عمل استهزاء است (طبری، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۷۷).

«وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُنَ (۱۴) اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (بقره: ۱۴).

ص ۷۱). پس واژه طغیان در نتیجه چنین مفهومی، تخصیص معنایی پیدا کرده است که با سیاق آیه نیز هم خوانی دارد. نمود چنین مفهومی را برای این واژه می‌توان در سوره‌های (یونس: ۱۱ و صافات: ۳۰) مشاهده کرد (تفلیسی، ۱۳۷۱ق، ص ۱۸۷).

۲-۴. **ظلم:** واژه طغیان در دومین وجه معنایی خود، به ظلم تفسیر شده است. تمرکز موضوعی آیه های ۷-۹ سوره مبارکه «رحمن» بر حقوق و وظایف فردی و اجتماعی مردم است که همانا اقامه عدل و انصاف و اجتناب از ظلم است. خداوند به منظور اقامه قسط و عدالت در زمان حضرت نوح (علیه السلام) میزان را به زمین فرستاد و دستور به اقامه عدالت و اجتناب از ظلم داده است (ابوعبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۲ ص ۲۴۲). «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ، أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ، وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (رحمن: ۹-۷)، خداوند در این آیات ابتدا خلقت میزان «عدل» و سپس علت خلقت میزان «اجتناب» از ظلم را بررسی کرده است. در سیاق آیه فوق «أن» مصدریه بالای فعل «تطغوا» داخل شده و فعل را منصوب به حذف نون کرده است؛ جمله «أَلَّا تَطْغَوْا» در محل نصب قرار گرفته و مفعول لأجله است و تقدیرش «لئلا تطغوا» می‌شود (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۶۸۵).

برای فعل تطغوا در سیاق آیه فوق از سوی مفسرین وجوه ذیل بیان شده است:

الف. به معنای ظلم: فعل تطغوا در آیه بحث شده به معنای ظلم ظاهر شده است؛ زیرا الله متعال در این آیه پس از اینکه از وضع و خلق میزان خبر می‌دهد، علت آن را بیان می‌کند که جلوگیری از ظلم است و به انسان‌ها دستور می‌دهد در معاملات خود با گرفتن به وزن زیاد و فرختن به وزن اندک ظلم نکنید (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۱۶۶).

ب. به معنای تجاوز و عدول از حد: فعل «ألا تطغوا»

و «أمدد» تفاوت قائل شده‌اند و «مدد» را به معنای همکاری در امور شر و «أمدد» را به معنای همکاری در امور خیر به کار برده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۵۸). فعل «یعمهون» که از ماده «عمه، یعمه، عمها و عموها و عمها فهو عمه» گرفته شده، به معنای متردد و متحیر است و عامه به کسی گفته می‌شود که از حق متردد و روگردان باشد (همان).

معانی ذکر شده برای واژه «طغیان» در سیاق آیه فوق از سوی مفسرین کفر و ضلالت بوده است؛ اما با توجه به سیاق و بافت آیات ابتدایی سوره که نخست به ذکر مؤمنان و سپس به ذکر کفار و در آیات بحث شده به صفات منافقان مانند اظهار ایمان دروغین، تمسخر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و فروش هدایت در برابر ضلالت پرداخته است، گرفتن معنای کفر برای واژه طغیان ضعیف به نظر می‌رسد؛ همچنین افعال هم‌نشین این واژه، «یمد» و «یعمهون» با مفهوم کفر هم‌خوانی ندارند. بناء معنای ضلالت و گمراهی برای واژه طغیان در آیه بحث شده به بافت و سیاق آیات نزدیک‌تر است.

مفهوم ضلالت و گمراهی با هسته اصلی معنا ارتباط دارد که همانا تجاوز و عدول از حد اعتدال است؛ زیرا در کنار اینکه ضلالت و گمراهی یکی از عوامل تجاوز و عدول از حد اعتدال محسوب می‌شود، واژه «ضلال» از سوی مفسرین به معنای تجاوز و عدول تفسیر شده است؛ همان‌گونه که شیخ طوسی در تفسیر آیه «فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقُّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ» (یونس: ۳۲)، واژه «ضلال» را تجاوز و عدول از حق تفسیر کرده و می‌گوید «بعد از اعتراف به حق، چیزی به جز عدول و تجاوز از حق وجود ندارد» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۳۷۲). طبری در تفسیر آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ» (نحل: ۳۶)، واژه «ضلاله» را پیروی از متجاوزان و سرکشان معنا کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴،

در آیه مبارکه فوق به منزله تعلیل برای ماقبل خود و به معنای تجاوز و عدول از حد مشروع است. الله متعال در این آیه می‌گوید «ما برای شما در همه شئون زندگی عدالت را مشروع ساختیم تا شما در همه شئون زندگی تان عادل باشید و تجاوز از حد نکنید (واحدی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۱۳۱).

مفسرین در سیاق آیه فوق، برای فعل «تطغوا» که مصدر آن طغیان است، دو معنای ظلم و تجاوز از حد ذکر کرده‌اند؛ اما با توجه به ساختار کلی سوره که روی حقوق و وظایف فردی و اجتماعی مردم تمرکز دارد و با توجه به نحوه ترکیب الفاظ، فعل «تطغوا» در هم‌نشینی با واژه‌هایی همچون «میزان»، «وزن»، «قسط» و «خسر» مفهوم ظلم را به خود گرفته است؛ زیرا لازمه قسط در وزن که یکی از بزرگ‌ترین حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها نسبت به یکدیگر محسوب می‌شود، اجتناب از ظلم و نقص در میزان است. همچنین از واژه «طغیان» در سیاق آیه «وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا» (کهف: ۸۰)، به ظلم تعبیر شده است. واژه طغیان در سیاق آیه مبارکه فوق حال یا مفعول لأجله برای فعل «یرهق» واقع شده است (علوان، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۳۲۶). در این آیه حکمت قتل طفلی بیان شده است که توسط حضرت خضر به قتل رسید. طفلی که حضرت خضر به قتل رساند کافر بود. آن حضرت می‌دانست این طفل سبب ظالم‌شدن و کافرشدن پدر و مادر مسلمانش می‌شود؛ از این رو او را به قتل رساند (تفسیر مقاتل ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۵۹۹). طغیان در سیاق این آیه به معنای ضلالت و گمراهی ظاهر شده است. حضرت خضر از ترس اینکه محبت این طفل سبب گمراهی و کفر پدر و مادر مسلمان آن نشود، طفل را به قتل رساند (حقی برسوی، ۱۳۷ق، ج ۵، ص ۲۸۵). تجاوز از حدود الهی مفهوم واژه طغیان در این آیه است. حضرت خضر علت قتل آن طفل را این‌چنین بیان می‌کند: ما ترسیدیم اگر این طفل کافر زنده بماند و بزرگ شود، سبب متجاوزشدن و

کافرشدن پدر و مادر مسلمانش شود (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۳۳۴). واژه «طغیان» در سیاق آیه فوق از سوی مفسرین به مفاهیم کفر، ظلم، ضلالت و گمراهی و تجاوز و عدول از حد معنا شده است؛ اما با توجه به هم‌نشینی واژه طغیان با واژه کفر که برخی مفسرین به معنای کفر بالله و برخی دیگر به معنای کفران نعمت پدر و مادر تفسیر کرده‌اند و با توجه به هم‌نشینی این واژه با واژه‌های «خیر و زکاة» که به مفهوم بهتر و پاکیزه به کار رفته‌اند، معنای ظلم برای واژه طغیان در سیاق آیه فوق مناسب به نظر می‌رسد.

در نتیجه مفهوم ظلم از فعل «تطغی» با هسته اصلی معنای این واژه ارتباط دارد؛ زیرا یکی از معانی واژه ظلم در قرآن کریم تجاوز و عدول است؛ چنانکه الله متعال می‌فرماید «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُذْوَانًا وَظُلْمًا» (بقره: ۳۰). طبرانی در تفسیر خویش واژه ظلم در این آیه را به معنای تجاوز از حد معنا کرده است (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۲، ص ۲۲۵).

۳-۴. کفر

واژه طغیان در وجهی دیگر به مفهوم کفر ظاهر شده است. خداوند در سوره مبارکه «ص» برای تسلی بخشیدن به پیامبر اسلام در برابر اذیت و آزار قومش که او را کذاب، ساحر و ... می‌گفتند، بعد از ذکر اوصاف متقین و سرنوشت آنها، سرنوشت کافران را بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَأَنَّ لِلطَّٰغِيْنَ كَثْرًا مَّآبٍ، جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَهَادُ» (ص: ۵۶-۵۵). واژه «الطَّٰغِيْنَ» در این آیه به معنای کفر و کفار است که به بدترین بازگشتگاه یعنی دوزخ بشارت داده شده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۱۱۳). در سیاق آیه مبارکه فوق واژه «طغیان» مجرور به حرف جر بوده است؛ اما محلاً مرفوع خبر مقدم برای «إن» است (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ۶۵۵). خداوند مطابق سنت خویش در این آیات بعد از وعده به ذکر وعید، بعد از ترغیب به ذکر تهدید و بعد از پاداش متقین به ذکر

تعامل واحدهای زبانی با یکدیگر به معنای عصیان و نافرمانی ظاهر شده است. «فَاسْتَقَمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود: ۱۱۲). فعل مضارع «تطغوا» در سیاق این آیه مبارکه مجزوم به حذف نون و معطوف به جمله «استقم» است (علوان، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ۱۰۴۵). حضرت عبدالله بن عباس می‌فرماید: هیچ آیه‌ای شدیدتر از این آیه به پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) نازل نشد. هنگامی که اصحاب از ایشان پرسیدند چرا به زودی موهای شما سفید شد، فرمودند: موهای مرا سوره هود و واقعه سفید کرد. دلیل شدت آیه فوق بالای پیامبر واضح است؛ زیرا این آیه حامل چهار فرمان مهم و سنگین ذیل است:

الف. دستور به استقامت: در این آیه طلب قیام شده است و قیام ایجاب کار و تلاشی را می‌کند که در آن هیچ نوع سستی راه نداشته باشد.

ب. دستور به اسقامتی داده شده است که انگیزه الهی داشته و از هرگونه وساوس محفوظ باشد.

ج. دستور به رهبری و به استقامت و ادا داشتن کسانی داده شده است که بر راه حق برگشتند.

د. دستور به مبارزه در راه حق و جلوگیری از هرگونه تجاوز و عصیان داده شده است؛ زیرا کسانی بوده‌اند که در راه رسیدن به حق، نهایت استقامت را به خرج داده‌اند؛ اما عدالت را رعایت نکرده و دچار عصیان و تجاوز شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۲۵۹).

مفسرین برای فعل «تطغوا» در سیاق آیه فوق معنای ذیل را ذکر کرده‌اند:

الف. به معنای تجاوز و عدول: خداوند در این آیه پیامبر خویش را نسبت به دینی که به آن مبعوث شده است به استقامت و پایداری دستور داده و از تجاوز و عدول منع کرده است. بناء فعل «تطغی» در اینجا به معنای تجاوز و عدول است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۷۶).

ب. به معنای عصیان و نافرمانی: سمرقندی در تفسیر

عقاب کافران پرداخته است. بیشتر مفسرین منظور از طغیان در این آیه را به قرینه‌هایی همچون «شرمآب» یعنی بدترین بازگشتگاه و به قرینه اینکه «الطاغین» اسم ذم است، اسم مطلق به کامل حمل می‌شود و کامل در طغیان کافر است، به معنای کفر و کافرین تفسیر کرده‌اند؛ زیرا بدترین بازگشتگاه مناسب کسی نیست، به جز کفار. همچنین خداوند از آنها به عنوان کسانی یاد کرده است که مؤمنان را تمسخر می‌کنند و می‌فرماید: {أَتَّخِذُنَاهُمْ سِخْرِيًّا} (ص: ۶۳). کسی دیگر به جز کفار مؤمنان را به تمسخر نمی‌گیرد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۴۰۳). بافت موضوعی سوره مبارکه «ص» به ارسال پیامبران، ایمان مؤمنان، انکار کفار و نتیجه ایمان و انکار این دو فرقه دلالت دارد؛ بدین ترتیب، از سیاق واژه‌های آیه «وَ إِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرًّا مَّآبًا، جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبئسَ الْمَهَادُ» (ص: ۵۶-۵۵) می‌توان استنباط کرد واژه طغیان با قرارگرفتن در مقابل واژه «متقین» و در مجاورت با واژه‌هایی همچون «شرمآب»، «جهنم»، «بئس المهاده» به معنای کفر ظاهر شده است؛ زیرا واژه‌های ذکرشده با ترسیم تصویری از جهنم، ذهن را به دریافت مفهوم اهل دوزخ سوق می‌دهند که در واژه طغیان ظاهر می‌شود.

در این آیه واژه طغیان گسترش معنایی یافته و رابطه خود را با هسته اصلی معنا (تجاوز و عدول از حد) حفظ کرده است؛ زیرا تجاوز و عدول از حد یکی از مصادیق و عوامل کفر محسوب می‌شود. «ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَالِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره: ۶۱)؛ طبرسی در تفسیر این آیه تعدی را به معنای کفر و نافرمانی بنی‌اسرائیل دانسته است که سبب عذابشان شد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۲۵۷).

۴-۴. عصیان و نافرمانی

وجه دیگری از شمول معنایی واژه طغیان در قرآن کریم، عصیان و نافرمانی است. واژه طغیان این بار در

خویش فعل «تطغی» در سیاق آیه بحث‌شده را به مفهوم عصیان و نافرمانی دانسته است و می‌گوید «خداوند به پیامبر دستور به استقامت در برابر توحید و طاعت خویش داده و از نافرمانی در توحید و طاعت منع کرده است» (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۷۴).

فعل «تطغوا» که مصدر آن طغیان است توسط مفسرین در سیاق آیه فوق به تجاوز، عدول، عصیان و نافرمانی معنا شده است؛ اما با توجه به بافت و محتوای کلی آیات، مفهوم فعل «تطغی» در این آیه عصیان و نافرمانی است؛ زیرا خداوند در آیات قبل نافرمانی و اختلاف بنی‌اسرائیل نسبت به آنچه در تورات نازل کرده بود را بیان کرده است و به پیامبر دستور به استقامت در دین و اجتناب از نافرمانی می‌دهد.

در این حوزه مفهومی فعل «تطغوا» به معنای نافرمانی به کار رفته است؛ ولی ارتباطش با هسته اصلی معنا بسیار پررنگ‌تر است؛ زیرا تجاوز و عدول یکی از معروف‌ترین معانی عصیان و نافرمانی به شمار می‌رود؛ چنانکه تفسیر کاشف واژه «اعتدی» را در سیاق آیه «فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (مائده: ۹۴) به مخالفت و نافرمانی معنا کرده است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۱۲۵). در کنار این، بین طغیان و عصیان رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد؛ زیرا عصیان مقدمه‌ای برای طغیان و عصیان دخول به حوزه نافرمانی و طغیان تجاوز در حوزه نافرمانی است.

۵-۴. تکبر

وجه دیگر از دایره مدلولی واژه طغیان، تکبر و خودخواهی است. توجه به سبب نزول و بافت زبانی آیات «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ، كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْفَى، أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَى، إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعَى» (علق: ۴-۸) این مفهوم را به روشنی تبیین می‌کند.

فعل «یطغی»، از مصدر طغیان، در سیاق آیه فوق

تقدیراً مرفوع بوده و خبر برای «إن» واقع شده است (علوان، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۲۷۰۶). این آیات در شأن ابوجهل نازل شده است که با ثروتش خود را بی‌نیاز از خداوند می‌دانست و در برابر پیامبر اسلام تکبر می‌کرد (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۵۲۷).

مفسرین برای فعل «یطغی» در سیاق آیه فوق معانی متعددی را مطرح کرده‌اند:

الف. به معنای تکبر: طبری فعل «یطغی» را تکبر معنا کرده است و می‌نویسد «خداوند در این آیات از نعمت‌هایی که به بندگان خود ارزانی کرده است مانند خلقت و مزین کردن آنها با زبور علم یاد کرده است و برخی از آنها را متکبر در برابر خالق‌شان معرفی می‌کند» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۶۳).

ب. به معنای کفر: فعل «یطغی» در سیاق این آیه به مفهوم کفر ظاهر شده است؛ زیرا خود را بلندمرتبه و مستغنی دانستن از خالق سبب کفر می‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۹۹).

مفسرین برای فعل «یطغی» در سیاق آیه فوق معانی کفر و تکبر را ذکر کرده‌اند؛ اما با توجه به قرینه‌های لفظی «علق»، «علم»، «یعلم»، «استغنی» و «رجعی» که با فعل «یطغی» هم‌نشین شده‌اند و با توجه به قرینه سبب نزول فعل «یطغی» در سیاق آیه بحث‌شده به مفهوم تکبر دلالت دارد؛ زیرا فراموشی و عدم شکرگذاری در برابر نعمت‌های خداوند، خود را بی‌نیاز دانستن از او و عقوبت شدیدی که با کلمه «رجعی» به مرتکب این گناه وعید داده شده است، ذهن را به سوی مفهوم تکبر برای فعل «یطغی» سوق می‌دهد. همچنین خداوند در سوره مبارکه طه نیز می‌فرماید «أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه: ۲۴). فعل «یطغی» در این آیه در محل رفع قرار گرفته و خبر برای «إن» واقع شده است (علوان، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۳۹۹). از سوی مفسرین مفاهیمی همچون عصیان و نافرمانی، تجاوز و تمرد در برابر خداوند، تکبر و ادعای ربوبیت مطرح شده‌اند؛ اما با توجه به سیاق آیات که درخواست‌های

خوردن رزق پاکیزه «من و سلوا» داده و از عصیان و نافرمانی منع کرده است (تیمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۶۹).

ب. به معنای **ظلم**: برخی از مفسرین از جمله طبری فعل «تطغی» را در آیه بحث‌شده به مفهوم ظلم نسبت به یکدیگر معنا کرده و گفته‌اند: خداوند بنی‌اسرائیل را بعد از اینکه از نزد فرعون نجات داد به خوردن اشیای پاکیزه و اجتناب از ظلم نسبت به یکدیگر امر کرده و در صورت نافرمانی به عذابی مهلک هشدار داده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۱۴۵).

ج. به معنای **تجاوز و عدول از حد**: ما تربیدی در تفسیر خویش این فعل را به مفهوم لغوی آن یعنی تجاوز و عدول از حد معنا کرده است و می‌نویسد: در این آیه خداوند به بنی‌اسرائیل دستور داده است از رزق پاکیزه بخورید و از اندازه‌ای که برای‌تان تعیین شده است تجاوز نکنید (ماتربیدی، ۱۴۲۶ق، ج ۷، ص ۲۹۸).

د. به معنای **حرام**: شیخ طوسی فعل «تطغی» را به معنای حرام در نظر گرفته است و در تفسیر آیه می‌گوید: این آیه به صورت امر آمده است؛ اما مراد اباحت است، طیب به معنای حلال است و مقصود از تطغی خوردن حرام است (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۹۵).

معانی ذکرشده توسط مفسرین برای فعل «تطغی» در آیه فوق عبارت‌اند از عصیان و نافرمانی، ظلم، تجاوز از حد و حرام. با توجه به بافت آیات و واژه‌های هم‌نشین می‌توان گفت در آیه قبل، خداوند برای بنی‌اسرائیل نعمات خود همچون نجات از دست فرعون و فراهم کردن حلال‌ترین و پاکیزه‌ترین غذا «من و سلوی» یاد کرده و در آیه بعدی نیز در صورت طغیان به عذاب نابودکننده هشدار داده است. ذکر «من و سلوی» و هشدار به عذاب مهلک در آیات قبل و بعد از آیه بحث‌شده و قرارگرفتن واژه «طیب» به معنای حلال در هم‌نشینی فعل «تطغی» مفهوم حرام را برای این فعل ظاهر می‌کند.

در نتیجه، حوزه معنایی فعل «تطغی» در سیاق آیه فوق به مفهوم حرام گسترش یافته است؛ اما ارتباط آن با هسته

حضرت موسی را بعد از مأمورشدن به دعوت فرعون بیان کرده است، این درخواست‌ها نشان می‌دهند فرعون شخص متکبر و خودخواهی بوده است و حضرت موسی با توجه به شناختی که از فرعون داشت، در خواست موارد فوق را از خداوند کرد؛ بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که مفهوم تکبر و ادعای ربوبیت برای واژه «طغی» در سیاق آیه فوق به حقیقت نزدیک‌تر باشد.

در آیات فوق حوزه مفهومی واژه طغیان گسترش معنایی یافته و به مفهوم تکبر ظاهر شده است. این معنا با هسته اصلی واژه طغیان مرتبط است و تکبر یکی از معانی و مصادیق تجاوز و عدول از حد به شمار می‌رود؛ همان‌گونه که طبرسی در تفسیر آیه «وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (قصص: ۳۹)، مقصود از «استکبر» را تجاوز و عدول از حد دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۹۸).

۶-۴. حرام

قرآن کریم واژه طغیان را در وجه دیگری به معنای حرام به کار برده است. خداوند در سوره مبارکه طه، نعماتی را ذکر کرده است که برای بنی‌اسرائیل ارزانی داشته و آنها را به خوردن حلال و اجتناب از حرام امر کرده است و می‌فرماید «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوِيَ» (طه: ۸۱).

فعل «تطغوا» در سیاق آیه فوق مجزوم به حذف نون و معطوف به فعل امر «كلوا» است (علوان، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۳۹۹).

مفسرین برای فعل «تطغی» در این آیه وجوه متعددی را بیان کرده‌اند:

الف. به معنای **عصیان و نافرمانی**: یحی ابن سلام در تفسیر خویش فعل «تطغی» را به معنای عصیان در نظر گرفته است و می‌نویسد: خداوند بنی‌اسرائیل را دستور به

مرکزی یا معنای اصلی یعنی تجاوز و عدول از حد اعتدال را حفظ کرده است؛ چنانکه دروزه صاحب کتاب تفسرالحديث در تفسیر آیه «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَیِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَکُمْ وَلَا تَغْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ» (مائده: ۸۷)، واژه حرام را به معنای تجاوز از حدود خدا معنا کرده است (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۲۰۷).

۷-۴. تکذیب پیامبران

واژه طغیان در وجه دیگری به معنای تکذیب انبیاء ظاهر شده است. الله متعال در سوره مبارکه مائده ضمن اینکه به پیامبر خویش دستور به تبلیغ آنچه برایش وحی می‌شود را داده است، دستور به دعوت اهل کتاب برای اقامه احکام تورات، انجیل و قرآن داده است و می‌فرماید: قُلْ یا اَهْلَ الْکِتَابِ لَسْتُ عَلَی شَیْءٍ حَسْبِیُ التَّوْرَةُ وَ الْإِنْجِیلُ وَ مَا أُنزِلَ إِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ وَ لَیَزِیدَنَّ کَثِیرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ طُغْیَانًا وَ کُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ (مائده: ۶۸).

واژه طغیان در سیاق آیه بحث‌شده مفعول به ثانی برای فعل «یزیدن» واقع شده است (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶). حضرت عبدالله ابن عباس در سبب نزول این آیه می‌فرماید «گروهی از اهل کتاب نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمدند و گفتند: ای محمد آیا تو در ملت ابراهیم نیستی و ایمان به توراتی که نزد من است نداری؟ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: بلی در ملت و دین ابراهیم هستم و به تورات ایمان دارم؛ اما شما برخلاف آنچه در میثاق تعهد کردید عمل می‌کنید و آنچه مأمور به بیانش هستید را می‌پوشانید، من از این کارهای شما بیزارم. آنها گفتند: ما به آنچه در دست داریم ایمان داریم و عمل می‌کنیم، به تو ایمان نمی‌آوریم و از تو پیروی نمی‌کنیم» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۰۱).

مفسرین برای واژه «طغیان» در سیاق این آیه وجوه

متعدد ذیل را ذکر کرده‌اند:

الف. به معنای تکذیب پیامبر اسلام: خداوند در این آیه پیامبر خویش را خطاب قرار داده و از شدت تکذیب اهل کتاب نسبت به نبوت او سخن گفته است (همان).

ب. به معنای دوام معصیت: خداوند در این آیه از ازدیاد کفر و دوام معصیت اهل کتاب نسبت به قرآن سخن گفته و پیامبر را از مأیوس شدن نسبت به این عمل اهل کتاب منع کرده است. بناء واژه «طغیان» در سیاق این آیه به مفهوم دوام معصیت است (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۰۶).

مفسرین برای واژه طغیان در سیاق این آیه معانی دوام معصیت و تکذیب پیامبر را ذکر کرده‌اند؛ اما با توجه به سبب نزول آیه که در مورد اهل کتاب و منکرین رسالت پیامبر اسلام و کسانی نازل شده است که عمل کردن به تورات را برای خود کافی دانسته‌اند و با توجه به سیاق آیه، خداوند متعال قبل از اینکه به کفر و طغیان اهل کتاب بپردازد به مأموریت پیامبر پرداخته است که تبلیغ آن چیزی است که برایش نازل می‌شود و در ختم آیه بحث‌شده پیامبر را به مأیوس نشدن در برابر عملکرد اهل کتاب دستور داده است. با توجه به این قرآینی که بیان شد، واژه «طغیان» در سیاق آیه فوق به معنای تکذیب رسالت پیامبر اسلام است.

در این آیه حوزه معنایی واژه «طغیان» گسترش یافته و به معنای تکذیب پیامبر اسلام ظاهر شده است؛ اما ارتباطش با هسته اصلی معنا را حفظ کرده است. طبرسی در کتاب خویش واژه «مکذبین» را در آیه «قُلْ سِیرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الْمُکَذِّبِینَ» (الانعام: ۱۱) به معنای طغیان در نظر گرفته است و می‌گوید: خداوند در این آیه به پیامبر خویش دستور می‌دهد برای آنها (مشرکین مکه) بگوید روی زمین سفر کنند تا سرنوشت امت‌های پیشین را مشاهده کنند که با طغیان‌شان

نمودار ۲. وجوه معنایی واژه طغیان در سیاق قرآن



نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد، واژه طغیان یکی از واژگان چندمعنای قرآن کریم است که نمی‌تواند به صورت قطعی و یقینی دارای یک معنای اصلی و ثابت باشد؛ بلکه باید با توجه به میدان معنایی و واحدهای هم‌نشین برای آن، معنا در نظر گرفت. بررسی‌های صورت‌گرفته در این پژوهش نشان می‌دهند:

۱. زبان مجموعه‌ای از واژگان زنده است که زنجیره‌وار به هم مرتبط‌اند و فهم و درک معنایی هرکدام از این واژگان به واحدها و عناصر هم‌نشین در متن وابسته است که رابطه میان این عناصر زبانی به ذهن برای درک مفاهیم ضمنی یک واژه کمک می‌کند.
۲. قرآن‌پژوهان قدیم از چندمعنایی به‌عنوان اشتراک لفظی نام برده و تفاوتی میان این دو پدیده قائل نشده‌اند؛ اما زبان‌شناسان معاصر این دو پدیده را جدا از هم دانسته‌اند، واژگان چندمعنا را دارای ریشه واحد و یک معنای مرکزی یا هسته معنایی دانسته‌اند که همه معانی در محور معنای مرکزی می‌چرخند؛ اما اشتراک لفظی واژگانی‌اند که در اصل دارای معانی متفاوت‌اند؛ ولی با گذشت زمان ساختار صرفی واحدی پیدا کرده‌اند.
۳. ساختار بی‌نظیر آیات قرآن کریم و شکل جابه‌جا کردن واژگان در این آیات سبب توسعه و گسترش معنایی واژگان این کتاب آسمانی شده است که درک و

انبیای الهی را تکذیب کردند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۴۳۱).

۸-۴. تجاوز و عدول از حد

واژه «طغیان» در قرآن کریم به معنای اصلی‌اش نیز به کار رفته است. خداوند در کتاب خویش از رفتن پیامبر به معراج و دیدن جبرئیل توسط پیامبر با چهره اصلی‌اش سخن گفته است و می‌فرماید: **وَلَقَدْ رَأَىٰ نَزْلَةَ أُخْرَىٰ (۱۳) عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ (۱۴) عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْمُورَىٰ (۱۵) إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى (۱۶) مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (۱۷) لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (النجم: ۱۸-۱۳).**

مفسرین برای واژه «طغی» در سیاق این آیه وجوه ذیل را ذکر کرده‌اند:

- الف. به معنای تجاوز و عدل:** خداوند در این آیات حکایت معراج پیامبر را بیان کرده است و از پوشیده‌شدن سدره توسط نور و نگاه کردن پیامبر به آن بدون اینکه چشمان پیامبر منحرف شود و به‌سوی چپ و راست تجاوز کند سخن گفته است (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۲۶).
- ب. به معنای ظلم:** مقاتل ابن سلیمان در تفسیر خویش واژه «طغی» در سیاق آیات فوق را ظلم معنا کرده است و می‌نویسد: چشمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) از دیدن برخی نشانه‌ها در آن شب منحرف نشد و پیامبر درباره آنچه در آن شب دید صادق است و ظلم نمی‌کند (مقاتل ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۶۱). قرار گرفتن واژه‌های «زاغ» و «بصر» در هم‌نشینی با واژه «طغیان» که بر انحراف و نگاه کردن دلالت دارند و همچنین سیاق آیات که از تجلی نور خداوند و نشانه‌های بزرگی صیحت می‌کنند که برای پیامبر در شب معراج نشان داده شدند، معنای تجاوز و عدول را برای واژه «طغی» در آیه فوق ثابت می‌کند.

فهم دقیق مفاهیم واژگان و آموزه‌های آن با توجه به بافت زبانی «سیاق» و بیرون زبانی «اسباب نزول» آیات و سوره‌ها صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، مفسران قرآن کریم مدلول دقیق یک واژه را با توجه به بافت آیه و عناصر هم‌نشین آن، تحلیل معنایی می‌کنند و مفهومی را برای واژه در نظر می‌گیرند که با سیاق آیه هم‌خوانی داشته باشد.

۴. واژه طغیان با مشتقاتش «۳۹» مرتبه به «۱۳» شکل در «۲۷» سوره قرآن کریم به کار رفته که اثبات چندمعنایی آن به بررسی ریشه‌شناختی و تبیین هسته معنایی آن نیازمند است. این بررسی سبب کشف و تبیین لایه‌های معنایی نهفته این واژه در ساختار آیات و سوره‌های قرآن کریم می‌شود.

۵. واژه طغیان در اصل به معنای تجاوز و عدول از حد است؛ اما در سیاق آیات قرآن کریم با توجه به سیاق و بافت به وجوه متعددی دلالت دارد. این واژه در هم‌نشینی با افعال «یمد» و «یعمهون» به معنای ضلالت و گمراهی، در هم‌نشینی با واژه‌های «میزان»، «قسط»، «وزن» و «خسر» به معنای ظلم، در هم‌نشینی با واژه‌های «شرم‌آب»، «جهنم» و «بئس المهادر» به معنای کفر، در سیاق آیه «۱۲» سوره هود با توجه به بافت و مفهوم کلی آیه به معنای عصیان و نافرمانی، در هم‌نشینی با قرینه‌های لفظی «علق»، «علم»، «استغنی» و «رجعی» به معنای تکبر، در سیاق آیه «۸۱» سوره مبارکه طه به معنای حرام و در سیاق آیه «۶۸» سوره مائده به معنای تکذیب انبیای الهی ظاهر شده است که همه این معانی با هسته اصلی معنا رابطه مفهومی دارند.

۶. مطالعه کتب و روایات تفسیری یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌ها در تحلیل معنایی و درک مفاهیم واژه طغیان با توجه به رویکرد نوین زبان‌شناسی است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

آلوسی البغدادی، سید محمد. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی*

فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالفکر.

ابن‌سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الاعظم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن‌فارس، احمد. (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغه*. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرب*. بیروت: دارصادر.

ابوعبیده، معمر بن مثنی. (۱۳۸۱ش). *مجاز القرآن*. مصر - قاهره: مکتبه الخانجی.

الإصفهانی، الراغب. (۱۴۱۲ق). *معجم مفردات الفاظ القرآن*. قم: ذوی القربی، الطبعة السادسة.

تفلیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم. (۱۳۷۱هـ.ش). *وجوه قرآن*. تهران: انتشارات و چاپ‌خانه دانشگاه تهران.

تیمی، یحیی بن سلام. (۱۴۲۵ق). *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*. بیروت: داراحیاء تراث العربی.

جفری، آرتور. (۱۳۸۵ش). *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*. مرکز نشر: توس.

حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی‌تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دارالفکر.

دروزه، محمد عزه. (۱۴۲۱ق). *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*. بیروت: دارالغرب الاسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۹ش). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن یا تفسیر لغوی و ادبی قرآن*. ایران - تهران: مرتضوی.

الزبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *تاج‌العروس*. بیروت: دارالفکر.

الزركشي، ابو عبدالله محمد بن بهادر. (۱۳۹۱ق). *البرهان فی علو القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.

سعیدی، محمدباقر. (۲۰۰۹م). *تحلیل زبان و روش شناسی فهم آن*. ایران - تهران: پژوهشگاه فرهنگ.

سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). *تفسیر*

- قم: دارالکتاب.
 کرباسی، محمد بن جعفر. (۱۴۲۲ق). اعراب القرآن (کرباسی). بیروت: دار و مکتبه الهلال.
 ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶). تأویلات اهل السنه (تفسیر الماتریدی). بیروت: دارالکتب العلمیه.
 مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۷ش). فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی. چاپخانه کویان.
 مصطفوی، حسن. (۱۳۹۳ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. دارالکتب العلمیه.
 مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف. ایران - قم: دارالکتب الإسلامیه.
 مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. ایران - تهران: دارالکتب الإسلامیه.
 واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۵ق). الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز (واحدی). بیروت: دارالقلم.

Bibliography

The Holy Quran.
 Alousi al-Baghdadi, Seyyed Muhammad. (1415 AH). The spirit of meaning in the interpretation of the Qur'an. Beirut: Dar al-Fikr.
 Ibn Sayedah, Ali Ibn Ismail. (1421 AH). Al-Muhkam and Al-Muhit al-A'zam. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
 Ibn Faris, Ahmad. (1404). Dictionary of comparisons. Qom: School of Islamic Studies.
 Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram. (1414 AH). Arabic language. Beirut: Dar Sadir.
 Abu Ubaidah, Muammar bin Muthna. (2002). Majaz of the Qur'an. Egypt: Maktaba Al-Khanji.
 Al-Isfahani, Al-Raghib. (1412 AH). Vocabulary of words of the Qur'an. Qom: Dhawi al-Quraba.
 Taflihi, Abulfazl Habish bin Ibrahim. (1992). Faces of the Qur'an. Tehran: University of Tehran Publishing House.
 Timi, Yahya bin Salam. (1425 AH).

السمرقندی المسمى بحر العلوم. بیروت: دارالفکر.
 سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. ایران - قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
 سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۱۸ق). المزهرة فی علوم اللغة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 شهبازی، محمود. (۱۳۹۴ش). پدیده اشتراک لفظی و چندمعنایی در زبان عربی. اس آی دی، (۱۹-۱۳۶).
 صفوی، کورش. (۱۳۸۷). درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر.
 طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). اردن: دارالکتاب الثقافی.
 طبرسی، فضل بن حسین. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ایران تهران: ناصر خسرو.
 طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
 طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
 طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء تراث العربی.
 عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الافاق الجدیدة.
 علوان، عبدالله بن ناصح. (۱۴۲۷ق). اعراب القرآن الکریم (علوان). مصر: دار الصحابه للتراث.
 العوا، سلوی محمد. (۱۳۸۲ش). الوجوه و النظائر القرآن الکریم. دارالشروق.
 عوده، خلیل ابو عوده. (۱۴۰۵ق). التطور الدلالي بین لغت الشعر الجاهلی و لغت القرآن الکریم. اردن: المنار.
 فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء تراث العربی.
 فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: هجرت.
 قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). تفسیر القمی. ایران

- Tabari, Muhammad bin Jarir. (1412 AH). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marifa.
- Tureihi, Fakhreddin. (1996). *Majma' al-Bahrain*. Tehran: Murtazavi.
- Tousi, Muhammad bin Hasan. (n.d). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya Turath Arabi.
- Askari, Hassan bin Abdullah. (1400 AH). *Differences in language*. Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah.
- 'Alwan, Abdullah bin Naseh. (1427 AH). *I'rab of Al-Qur'an al-Karim*. Egypt: Dar Al-Sahaba Li-turath.
- Al-'Awa, Salva Muhammad. (2003). *Aspects and analogies of the Holy Qur'an*. Dar al-Shrouq
- Oudeh, Khalil Abu Oudeh. (1405 AH). *The evolution of the signifier between the words of Al-Jahili poetry and the words of the Holy Qur'an*. Jordan: Al-Manar.
- Fakhr razi, Muhammad bin Umar. (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir*. Beirut: Arab Heritage Center.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1409). *Kitab al-Ain Qom: Migration*.
- Qumi, Ali bin Ibrahim. (1984). *Tafsir al-Qumi*. Iran - Qum: Dar al-Kitab.
- Karbasi, Muhammad bin Jafar. (1422 AH). *I'rab of the Qur'an (Karbasi)*. Beirut: Dar and Maktaba Al-Hilal.
- Maturidi, Muhammad bin Muhammad. (1426 AH). *Tawilat Ahl al-Sunnah (Tafseer al-Maturidi)*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Mashkour, Mohammad Javad. (1978). *Arabic comparative culture with Semitic and Iranian languages*. Kavian printing house.
- Mustafavi, Hassan. (2013). *Researching the words of the Holy Qur'an*. Dar al- Kutub al-Ilmiya.
- Mughniyeh, Muhammad Javad. (1424 AH). *Al-Tafseer al-Kashif Qom-Iran: Darul-Kutub al-Islamiyya*.
- Muqatil ibn Suleiman. (1423 AH). *Interpretation*. Beirut: Arab Heritage Revival.
- Makarim Shirazi, Nasser. (1992). *sample interpretation*. Iran - Tehran: Darul Kutub al-Islamiyeh.
- Wahidi, Ali bin Ahmad. (1415 AH). *Al-wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (Vahidi)*. Beirut: Dar al-Qalam.
- Commentary of Yahya bin Salam al-Taimi al-Basri al-Qirwani. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Tha'labi, Ahmad bin Muhammad. (1422 AH). *Al-Kashaf and Al-Bayan*. Beirut: Dar ihya Turath Arabi.
- Jeffrey, Arthur. (2008). *The Foreign Vocabulary of the Qur'an*. Tous Publishing center.
- Haqi Barsui, Ismail bin Mustafa. (n.d). *Tafsir of Rouh al-Bayan*. Beirut: Dar-alfikr.
- Darwazah, Muhammad Izza. (1421 AH). *Al-Tafsir al-Hadith: The order of suras according to descent*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
- Raghib Esfahani, Hussein bin Muhammad. (1991). *Translation and research of the vocabulary of the Qur'an or the literal and literary interpretation of the Qur'an*. Iran - Tehran: Mortazavi.
- Al-Zubaidi, Muhammad bin Muhammad. (1414 AH). *The crown of the bride*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Al-Zarkashi, Abu Abdullah Muhammad bin Bahadur. (1391 AH). *Al-Burhan fi Al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Saidi, Muhammad Baghir. (2009 AD). *Language analysis and its understanding methodology*. Iran - Tehran: Farhang Research Institute.
- Samarkandi, Nasr bin Muhammad. (1416 AH). *Tafsir Al-Samarqandi al-Musamma Bahrul Uloum*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Suyouti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr. (1404 AH). *Al-durr al-Manthour*. Iran - Qom: Grand Ayatollah Mar'ashi Najafi Public Library.
- Suyouti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr. (1418 AH). *Al-Muzhir in Islamic sciences*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Shahbazi, Mahmoud. (2014). *The phenomenon of verbal sharing and polysemy in Arabic language*. SID. 136-19.
- Safavi, Kourush. (2008). *An introduction to semantics*. Tehran: Surah Mihr.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad. (2008). *Al-Tafseer al-Kabeer Tafsir al-Qur'an al-Azeem (Al-Tabarani)*. Jordan: Dar al-Kitab al-Thaghafi.
- Tabarsi, Fazl bin Hussein. (1993). *Majma' Al-Bayan in Tafsir al-Qur'an*. Iran Tehran: Nassir Khusro.